

ارزیابی تأثیر بهبود کیفیت مقررات کار، اعتبار و کسب و کار بر رشد اقتصادی (مطالعه تعدادی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته با تأکید بر ایران)^۱

فریبا نخعی^۲، عبدالله خشنودی^۳ و مجید دشتبان^۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۲۸

چکیده

در این مقاله، اثر مقررات کار، اعتبار و کسب و کار بر رشد اقتصادی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، از داده‌های پانل در چارچوب یک مدل رشد درونزا استفاده شده است. داده‌های مربوط به مقررات کار، اعتبار و کسب و کار از زیربخش پنجم شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر که به همین نام است، استخراج شده است. مقدار بالاتر این زیرشاخص به معنی بهبود وضعیت مقررات کار، اعتبار و کسب و کار می‌باشد که بر این اساس، با توجه به تئوری اقتصادی و مطالعات انجام شده، انتظار می‌رود مقررات کار، اعتبار و کسب و کار، تأثیر مثبتی روی رشد اقتصادی داشته باشد. نتایج حاصل از برآورد

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/edp.2017.10304.1041

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ fariba_n696@yahoo.com

۳. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد؛ akhoshnoodi@gmail.com

۴. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بجنورد؛ majiddashtbanf@gmail.com

مدل نشان می‌دهد که به طور کلی، بهبود وضعیت مقررات کار، اعتبار و کسب و کار روی رشد تمامی کشورهای نمونه و به طور خاص، کشورهای با درآمد بالا تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ چون این کشورها از ساختار نهادی قوی‌تری برخوردارند. از بین اجزای مقررات کار، اعتبار و کسب و کار نیز جزء مربوط به مقررات بازار نیروی کار، بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی دارد؛ اما اثر دو جزء دیگر معنادار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، مقررات کار، اعتبار و کسب و کار،

فضای کسب و کار، آزادی اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: M2.04

۱. مقدمه

در اقتصاد کنونی، عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی به یکی از موضوعات قابل توجه و بحث‌برانگیز در میان اقتصاددانان تبدیل شده است. علی‌رغم نقش مؤثر عواملی چون نیروی کار و سرمایه، یکی از چالش‌های اساسی رشد اقتصادی، مهیا شدن محیطی است که کارگزاران اقتصادی، اعم از بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران در آن مشغول فعالیت و کسب و کار باشند (باصری و شاه حسینی، ۱۳۸۹).

مطالعات متعددی (برای مثال، هال و جونز^۱، ۱۹۹۹؛ عجم اوغلو و همکاران^۲، ۲۰۰۱)، نشان داده‌اند که نهادها یکی از عوامل اصلی تعیین کننده سطح ثروت و رشد بلندمدت‌اند (جانکو و همکاران^۳، ۲۰۰۶).

جانکو و همکاران (۲۰۰۶)، با اشاره به مطالعات انجام شده درباره نهادها و رشد، به معرفی شاخص جدیدی از کیفیت نهادی تحت عنوان شاخص مقررات کار، اعتبار و کسب و کار پرداخته‌اند و ثبات قوانین و مقررات را یکی از مهم‌ترین عوامل در جهت بهبود محیط کسب و کار معرفی کرده‌اند.

پیش‌فرض اساسی مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، آن است که فعالیت‌های اقتصادی نیازمند قوانین مناسب‌اند، که حقوق مالکیت را برقرار و تصریح سازند و هزینه‌های حل و فصل اختلافات را کاهش دهند. هدف این است که بهبود این قوانین

1. Hall & Jones

2. Acemoglu, *et al.*

3. Djankov, *et al.*

بتواند قابلیت پیش‌بینی تعاملات اقتصادی را ارتقاء دهد و شرکای تجاری مطمئنی را تضمین و در برابر مورد سوءاستفاده قرار گرفتن حمایت نماید، به نحوی که این قوانین کارآمد، ساده در اجرا و در دسترس برای همگان باشد (حیدر^۱، ۲۰۱۲).

از نظر مایرو^۲ (۱۹۹۵)، وجود قوانین و مقررات اضافی، ورود به بازارها را محدود می‌سازند و از آزادی شرکت اشخاص در مبادلات داوطلبانه جلوگیری می‌نمایند. قوانین به دلیل شکست‌های بازار تصویب و اجرا، و از یک دیدگاه، سبب ارتقاء رفاه و بهزیستی اجتماعی می‌شوند. اما مطابق با نظریه انتخاب عمومی، نتیجه قوانین اضافی، ایجاد گروه‌های هم سود با قدرت سیاسی نامتناسب است. قوانین و مقررات اضافی و پیچیده با ایجاد پدیده رشوه‌خواری باعث افزایش ناکارآمدی دولت می‌شوند.

در حال حاضر، ایران در رابطه با فضای کسب و کار، از رتبه مناسبی برخوردار نیست. بسیاری از مقررات، دستورالعمل‌ها و رویه‌های زائد و بازدارنده و موازی‌کاری‌های موجود در سیستم‌های اجرایی باید حذف شود. خطرپذیری مالی زیاد، ناتوانی در تأمین منابع مالی برای راه‌اندازی کسب و کار و موانع اداری بسیاری وجود دارد و قوانین و مقررات دولتی مشوق راه‌اندازی و توسعه کسب و کار در ایران نیستند و محیط کسب و کار حامی شرکت‌های جدید و در حال رشد نیست (میرکازهی ریگی، ۱۳۹۴).

در اقتصاد ایران به دلیل عدم تدوین مقررات به صورت دقیق و قاعده‌مند، مشکلات بسیاری در زمینه تطبیق این قوانین به وجود آمده است. به دلیل این بی‌ثباتی‌ها و تغییرات مکرر قوانین و نظام بوروکراسی و پیچیده اداری، شروع یک کسب و کار جدید طی سال‌های اخیر مرتباً سخت‌تر شده است. سیاستمداران و اندیشمندان اقتصادی به تحقیق و جستجو در زمینه شناخت دلایل و عوامل ایجاد این بی‌ثباتی‌ها و مقررات پیچیده پرداخته‌اند تا از این طریق از یک طرف، بتوانند از تدوین چنین مقرراتی جلوگیری کنند و از طرف دیگر، با معرفی شاخص‌هایی در مورد قوانین و مقررات آسان، به صورت مستمر وضعیت اقتصادی کشور را مورد نظارت و بازنگری قرار دهند.

در مورد اثرات مقررات کسب و کار روی رشد اقتصادی و بررسی وضعیت میزان مقررات سخت و دست‌وپاگیر، مطالعات زیادی در داخل کشور انجام نشده است. تعدادی از نویسندگان با استفاده از داده‌های پانل به بررسی ارتباط بین مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند.

1. Haidar
2. Mauro

عرفانی جهانشاهی (۱۳۸۸) با استفاده از شاخص سختی مقررات کسب و کار که آن را با استفاده از شاخص‌های بانک جهانی^۱ محاسبه نموده، به بررسی تأثیر مقررات سخت و پیچیده کسب و کار، به طور کلی بر رشد اقتصادی کشورهای نمونه و به طور خاص، بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط پرداخته، و همچنین اثرات متقابل مقررات کسب و کار و فساد را از طریق متغیر ضربی^۲ مورد تحلیل قرار داده است. با توجه به آنچه مرور شد و به دلیل اهمیت قوانین و مقررات در اقتصاد هر کشور، لازم است که مطالعاتی در زمینه وضعیت قوانین و مقررات اعتبار، کار و کسب و کار در ایران انجام شود و عوامل مؤثر بر وضعیت اقتصادی و رشد اقتصادی کشور، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در این تحقیق از یک طرف، با استفاده از رتبه‌بندی تعدادی از کشورها در زمینه مقدار شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار و تحلیل روند این متغیر در کشور ایران، به بررسی وضعیت مقررات و میزان مقررات سخت و دست‌وپاگیر در ایران پرداخته خواهد شد و از طرف دیگر، اثر مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد اقتصادی کشور برآورد خواهد شد. رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و شاخص‌های نهادی تا حدود زیادی مستندسازی شده است ولی بیشتر این مطالعات به بررسی فضای کسب و کار پرداخته‌اند تا مقررات کسب و کار. در این مقاله، به بررسی قلمرو خاصی از کیفیت نهادی، یعنی «مقررات اعتبار، کار و کسب و کار» پرداخته می‌شود.

به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که این مطالعه از دو نظر با مطالعات قبلی تفاوت دارد: برای بررسی دقیق‌تر وضعیت مقررات اعتبار، کار و کسب و کار کشور، از یک شاخص استفاده می‌کند (شاخص مؤسسه فریزر) و همچنین بر اساس این شاخص، وضعیت مقررات اعتبار، کار و کسب و کار را مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز به بررسی تأثیر هر یک از اجزای مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، به طور جداگانه می‌پردازد.

۲. مبانی نظری

برای ایجاد مشاغل مولد و کسب و کارهای جدید که به خلق ثروت بینجامند، می‌باید بنگاه‌ها با شرایط جدید بازار تطبیق یافته و فرصت‌های رشد را از دست ندهند. اما در اکثر موارد چنین انعطافی به دلیل قوانین سخت و دست‌وپاگیر از دست می‌رود (بانک

1. World Bank

2. Interaction term

جهانی، ۲۰۰۴). به رغم اجرای اصلاحات گسترده‌ای از قبیل برنامه‌های تثبیت اقتصادی، آزادسازی قیمت‌ها، خصوصی‌سازی و کاهش موانع تجاری توسط دولت‌ها و به منظور ارتقای بخش خصوصی، در بسیاری از کشورها، رشد اقتصادی محدود باقی مانده و فقر گسترش یافته است. اگر چه اجرای چنین سیاست‌های کلانی مهم است؛ اما اجماع فزاینده‌ای در این زمینه وجود دارد که کیفیت مقررات کسب و کار و نهادهای مجری این مقررات، عوامل اصلی تعیین کننده رفاه هستند. موفقیت‌های اقتصادی هنگ کنگ و توانایی‌های خیره کننده بوتسوانا به وسیله فضای مقرراتی مطلوب کسب و کار ایجاد شده است (حیدر، ۲۰۱۲).

اصل "ورود آزاد" در یک اقتصاد برای دستیابی به تخصیص کارآمد منابع، بسیار مهم است و مقررات اعتبار، کار و کسب و کار به عنوان یکی از اجزای اصلی آزادی اقتصادی، از این جهت معیاری برای رقابت هستند. بنابراین، قوانین و مقررات اضافه با محدود کردن بازار و مبادلات، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شوند. سیاست‌های مقرراتی اتخاذ شده در کشورهای در حال توسعه، تغییرات بسیاری یافته است. از یک طرف، به دنبال کامیابی برنامه‌های آزادسازی بازارها در برخی از کشورهای توسعه یافته و از طرف دیگر، به دلیل نواقص اجرای برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه، تضمین محیط سیاسی مناسبی برای عملکرد کارای دولت‌ها ضروری است و نقش مقررات دولتی به عنوان یکی از اجزای آن باید دوباره تعریف شود. قانون‌زدایی و رفع ممنوعیت در بازار اعتبار همواره با تقبل درصدی از ریسک و توزیع آن بین افراد (که این اثر ادغام کننده ریسک، ساز و کار بیمه‌ای مهمی برای افراد کم‌درآمد است)، سبب کاهش ریسک و افزایش رشد اقتصادی می‌شود (وارتنی و همکاران^۱، ۲۰۱۴).

مقررات کار، اعتبار و کسب و کار دست و پاگیر از یک سو، ورود به بازارها را محدود می‌سازد و از سوی دیگر، نیز با آزادی مشارکت در مبادلات داوطلبانه در تعارض است که در هر دو مورد، سبب کاهش آزادی اقتصادی می‌گردد و با توجه به رابطه مثبت آزادی اقتصادی با رشد اقتصادی، در نتیجه رشد اقتصادی نیز به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد.

1. Gwartney, *et al.*

در واقع، بخش پنجم شاخص آزادی اقتصادی، بر روی موانع نظارتی محدودکننده آزادی مبادلات در بازارهای کار، اعتبار و کسب و کار متمرکز شده، و زیربخش اول آن، مبین وضعیت بازار اعتبار داخلی است و شواهدی از اینکه تا چه میزان صنعت بانکداری متعلق به بخش خصوصی است ارائه می‌کند و نشانگر میزان عرضه اعتبارات به بخش خصوصی است و به بررسی این موضوع می‌پردازد که کنترل‌های اعمال شده روی نرخ‌های بهره تا چه حد با بازار اعتبارات تداخل دارد. در کشورهایی که از سیستم بانکی خصوصی برای تخصیص اعتبارات به بخش خصوصی استفاده می‌کنند و از کنترل روی نرخ‌های بهره جلوگیری می‌نمایند، مقدار شاخص کل آزادی اقتصادی به واسطه بهبود این زیربخش بیشتر خواهد بود.

زیربخش مقررات بازار کار برای اندازه‌گیری میزان محدودیت‌های موجود در ارتباط با آزادی اقتصادی طراحی شده است. بسیاری از مقررات بازار کار، آزادی اقتصادی کارکنان و کارفرمایان را نقض می‌کنند، که برجسته‌ترین آنها عبارتند از: مقررات حداقل دستمزد، مقررات اخراج، وضعیت اتحادیه‌ای دستمزدها، گسترش قراردادهای اتحادیه‌ای برای بخش‌های غیرمشارکتی و خدمت سربازی. با تعیین دستمزد و برقرار ساختن شرایط استخدام و اخراج توسط نیروهای بازار و حذف نظام وظیفه، این جزء مقدار بیشتری را در شاخص آزادی اقتصادی به خود اختصاص خواهد داد. قوانین مربوط به بازار نیروی کار زمانی می‌توانند تبدیل به معضلی اساسی شوند که موجب تغییرات ساختاری در اقتصاد شوند. برای مثال، هزینه‌های بالای اخراج که به واسطه قوانین مربوط به اخراج کردن ایجاد شده است، می‌تواند از گسترش و توسعه بنگاه‌ها جلوگیری نماید. قوانینی که بازار کار را انعطاف‌ناپذیر می‌کنند، از جمله موانع پیش‌روی فرصت‌های شغلی محسوب می‌شوند که به انتقال نیروی کار از بخش رسمی به بخش غیررسمی اقتصاد را منجر می‌گردد.

همانند قوانین بازار کار و اعتبار، مقررات اضافی کسب و کار (زیربخش سوم) نیز مانعی برای آزادی اقتصادی، و بیانگر این است که تا چه میزان مقررات و روش‌های بوروکراتیک، ورود به بازار و رقابت در آن را محدود می‌سازند. به منظور بهبود مقدار شاخص در این جزء، کشورها باید به نیروهای بازار اجازه دهند تا قیمت‌ها را تعیین نمایند و با جلوگیری از فعالیت‌های نظارتی که سبب به تعویق انداختن ورود به کسب و کار و افزایش هزینه‌های تولید محصول می‌گردد و نیز با کاهش هزینه‌های تولیدی، از

طریق ممانعت از محدود ساختن فعالیتهای قانونی، ورود به کسب و کار را تقویت می‌کند، در حالی که فرایندهای دیوانسالارانه، از سهولت ورود به بازارها و قدرت رقابت می‌کاهد (همان منبع).

۳. پیشینه پژوهش

اگر چه اقتصاددانان خرد به تحلیل علل و اثرات مقررات در چندین دهه پرداخته‌اند، اقتصاددانان کلان تنها چندی پیش به این بحث توجه کرده‌اند، بسیاری از مطالعات تجربی نشان می‌دهد که مقررات، اثرات کلان قابل توجهی دارند. به نظر می‌رسد گاف^۱ (۱۹۹۶) در این عرصه پیشرو بود، وی با استفاده از تحلیل عوامل برای ساختن شاخص مقررات کل در ایالات متحده آمریکا، به نوعی رابطه علیت از تأثیر مقررات بر روی مسیر ستاده، دست یافت (داوسن و سیتز^۲، ۲۰۱۳).

طبق نظر داوسن و سیتز (۲۰۱۳)، به طور کلی اقتصاددانان، فعالیتهای اقتصادی دولت را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: مخارج، مالیات‌ها، کسری‌ها و سیاست‌های پولی. با این حال طبقه پنجمی از فعالیتهای نیز تحت عنوان مقررات وجود دارد که توجه اندکی را در ادبیات اقتصاد کلان به خود جلب نموده است. آنها به تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم مقررات کسب و کار روی رشد اقتصادی پرداخته‌اند و با استفاده از یک شاخص جدید سری زمانی از میزان مقررات فدرال برای اقتصاد آمریکا، رابطه بین مقررات فدرال و عملکرد اقتصاد کلان را مورد بررسی قرار داده، و نشان داده‌اند که مقررات، اقتصاد را به روش‌های پیچیده‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب بروز اختلالات و بی‌نظمی‌هایی در روند تولید ستاده و عوامل تولید نظیر بهره‌وری کل عوامل، سرمایه فیزیکی و نیروی کار می‌گردد. همچنین مقررات دارای اثرات تخصیصی می‌باشد، بدان معنا که می‌تواند مکانیزم تولید ستاده را از طریق تغییر در ترکیب نهاده‌ها تغییر دهد. شاخص مقررات آنها با سایر شاخص‌ها تفاوت دارد. شاخص‌های دیگر، تنها واقعیات مقررات معینی را دربردارند؛ اما نمی‌توانند اندازه و پیچیدگی آنها را بیان کنند. و نتیجه نهایی اینک: مقررات هر دوی روند و نوسانات حول روند را تغییر می‌دهد. اثرات روند معمولاً پیچیده و غیرخطی، و اثرات چرخه‌ای مقادیر باوقفه هستند و الگوی علامت ضرایب بین متغیرهای وابسته متفاوت است.

1. Goff

2. Dawson & Seater

مسود و تهنی^۱ (۲۰۱۴) با استفاده از ۱۰ شاخص فضای کسب و کار و مجموعه‌ای از متغیرهای کنترل با به کارگیری رگرسیون متغیرهای ابزاری، به بررسی رابطه مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی می‌پردازند. نتایج حاکی از رابطه‌ای قوی بین شاخص‌های مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی بجز شاخص‌های تجارت برون‌مرزی و معامله با مجوز ساخت و ساز است.

محققان دیگر (برای مثال، لویزا و همکاران^۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵) در بین عوامل تعیین‌کننده رشد روی حکومت تمرکز می‌کنند، در حالی که این مقاله به جای در نظر گرفتن مسائل وسیع‌تر دولتی، روی توسعه مالی متمرکز است که تحلیل را بهبود می‌بخشد.

نیکلتی و همکاران^۳ (۲۰۰۱) دریافتند که مقررات بازار محصول غیررقابتی، اثرات منفی قابل توجهی بر نرخ‌های اشتغال کشورهای OECD داشته است. مسینا^۴ (۲۰۰۵) دریافت که، در کشورهای OECD، موانع اداری سنگین‌تر برای شروع کسب و کار، سهم کمتری از اشتغال در خدمات را به خود اختصاص داده‌اند.

بنا به نتیجه‌گیری گریفیس و هاریسون^۵ (۲۰۰۴) افزایش در قیمت‌های مارک آپ با سطوح پایین‌تر اشتغال در کشورهای اتحادیه اروپا همراه است. برتراند و کرامارز^۶ (۲۰۰۲) دریافتند، مقررات منطقه‌ای که در اوایل دهه ۱۹۷۰ در فرانسه مرسوم شد، با جلوگیری از توسعه بنگاه‌های خرده‌فروشی، رشد اشتغال را کاهش داد.

فلدمن^۷ (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های ۱۹ کشور صنعتی، به تحلیل این موضوع می‌پردازد که تا چه میزان مقررات کسب و کار غیررقابتی، همچون تنظیم قیمت‌ها و موانع اداری برای شروع کسب و کار جدید، نرخ اشتغال و نرخ مشارکت نیروی کار را کاهش می‌دهد. نتایج مدل نشان می‌دهند که مقررات کسب و کار غیررقابتی به طور نامطلوبی بر عملکرد بازار کار اثر دارد. مخصوصاً، کنترل قیمت‌ها، موانع اداری برای شروع کسب و کار جدید و فرایندهای بوروکراتیک وقت‌گیر و خسته‌کننده، نرخ مشارکت نیروی کار و نرخ اشتغال پایین‌تری را نشان می‌دهند. دیگر یافته مهم این مقاله این است

1. Messaoud & Teheni

2. Loayza, *et al.*

3. Nicoletti, *et al.*

4. Messina

5. Griffith and Harrison

6. Bertrand and Kramarz

7. Feldmann

که، کشورهای با مقررات کسب و کار سخت و عملکرد ضعیف بازار کار می‌توانند با آزادسازی مقررات کسب و کار، نرخ مشارکت نیروی کار و اشتغال را افزایش دهند. بنا به نظر فلدمن (۲۰۰۹)، مقررات کسب و کار غیررقابتی (مثل محدودیت‌های ورود و کنترل قیمت‌ها)، سبب کاهش تقاضای نیروی کار، کاهش ورود بنگاه‌های جدید، نیروهای رقابتی کمتر و ناکارایی بیشتر می‌شوند. علاوه بر این، به دلیل عدم وجود رقابت، قیمت‌های مارک آپی که بنگاه‌ها قادرند تحمیل نمایند نیز افزایش می‌یابد. از آنجایی که نیروی کار قادر است تا بخشی از این اجاره‌ها را از طریق پاداش دستمزد به خود اختصاص دهد، در مقایسه با یک وضعیت رقابتی، بنگاه‌ها سرمایه بیشتر و نیروی کار کمتری را به کار خواهند گرفت. مقررات کسب و کار سخت، بنگاه‌ها را وادار می‌نماید تا مکان استقرار صنعت و یا نوع کالای تولیدی خود را تغییر دهند؛ که همه این اثرات در نهایت، اشتغال را کاهش خواهد داد. در برخی بخش‌ها، از جمله خدمات عمومی، حمایت از رقبای داخلی و خارجی می‌تواند این انگیزه را برای بنگاه‌های تحت کنترل دولت به وجود آورد تا به ذخیره نیروی کار بپردازند. بنابراین، اشتغال به طور غیر-طبیعی در سطح بالایی حفظ می‌شود. اگرچه، به احتمال زیاد ناکارآمدی تولیدی مربوطه در کل اقتصاد ناگهان کاهش یافته، تا جایی که اشتغال نیز کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، هزینه‌های بودجه‌ای پرداخت یارانه به بنگاه‌های تحت کنترل دولت در یک مقیاس بزرگ، بار مالیاتی را افزایش می‌دهد و به‌طور کلی منجر به کاهش سطح اشتغال می‌گردد.

مقررات کسب و کار سخت، روندهای بوروکراتیک مثل رشوه را تقویت می‌کند. همچنین هزینه‌های مقررات کسب و کار سخت نیز باعث می‌شود تا بنگاه‌ها دستمزد کمتری پیشنهاد دهند، و بنابراین، عرضه نیروی کار کاهش می‌یابد و نیروی کار بالقوه به مشاغل زیرزمینی سوق می‌یابند و سطح اشتغال رسمی کاهش خواهد یافت. بنابراین مقررات کسب و کار سخت نه تنها موجب کاهش نرخ اشتغال می‌گردند بلکه سبب کاهش نرخ مشارکت نیروی کار نیز می‌شوند.

مجموعه‌ای از ادبیات موجود طی دهه‌های گذشته، به مطالعه ارتباط بین مقررات کسب و کار و عملکرد اقتصادی پرداخته‌اند. برخی از این مطالعات (برای مثال باس و گرویزرد^۱، ۲۰۰۸؛ داتز و همکاران^۲، ۲۰۱۱) به جای تمرکز روی اثرات مستقیم مقررات

1. Busse and Groizard
2. Dutz, et al.

کسب و کار بر رشد اقتصادی، به بررسی این اثرات بر روی یکی از محرک‌های رشد (نظیر بهره‌وری کل عوامل، بهره‌وری نیروی کار، سرمایه‌گذاری و نوآوری) پرداخته‌اند (مسود و تهنی، ۲۰۱۴).

مطالعات دیگر (هنس^۱، ۲۰۱۱؛ لویزا و همکاران، ۲۰۰۴؛ جانکو و همکاران، ۲۰۰۶؛ جلیلیان، و همکاران^۲، ۲۰۰۷؛ حیدر، ۲۰۱۲) درک عمیق‌تری از ارتباط مستقیم بین مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی ارائه می‌دهند.

هنس (۲۰۱۱) با به کارگیری داده‌های ۱۷۵ کشور درباره نقش بالقوه شاخص‌های فضای کسب و کار در فرایند اصلاحات بحث می‌کند. یافته‌های مهم این مطالعه عبارتند از: تمرکز روی شاخص‌های مرتبط با اعتبار و اجرای قراردادهای بیش از هر چیز اهمیت دارند و شاخص‌های مرتبط با هزینه‌ها بزرگترین عامل بالقوه برای تقویت رشد محسوب می‌شوند. به دنبال این مطالعه، لویزا و همکاران (۲۰۰۴) بر دو شاخص اصلی عملکرد اقتصاد کلان، یعنی رشد و نوسانات تولید ناخالص داخلی حقیقی تمرکز می‌کنند. در نمونه‌ای با ۷۶ کشور، محققان مقررات را با یک پروکسی حکومتی ترکیب می‌کنند. بررسی آنها حاکی از یک رابطه معکوس بین مقررات اضافی و عملکرد اقتصاد کلان است.

جلیلیان و همکاران (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات مقررات بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه»، به بررسی نقش نظام مقرراتی مؤثر در پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی می‌پردازند و بر این نکته تأکید می‌کنند که تأثیر نهادهای مقرراتی روی رشد اقتصادی، هم به کارآیی سیاست‌های مقرراتی و ابزارهایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند و هم، به کیفیت عملکرد دولتی که توسط مقامات قانونی اعمال می‌شوند، بستگی دارد و کارآیی و کیفیت مقررات نیز هر دو، عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار خواهند داد. نتایج نشان می‌دهند که بین شاخص‌های مقرراتی دولتی، کارآیی دولت و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، همبستگی مثبتی وجود دارد.

۴. داده‌ها، مدل و روش برآورد

در این مقاله با استفاده از شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار و کاربرد مدلی در مورد فضای کسب و کار، به بررسی وضعیت مقررات اعتبار، کار و کسب و کار با استفاده

1. Hanusch
2. Jalilian, et al.

از روش پانل در ۳۶ کشور طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته شده، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، نرم افزارهای Stata11، Eviews8 و Excel مورد استفاده قرار گرفته، داده‌های مورد استفاده، از دو منبع عمده جمع‌آوری شده، و داده‌های مربوط به شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، از شاخص آزادی اقتصادی منتشر شده توسط مؤسسه فریزر، گرفته شده است. شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر، به طور عمده شامل پنج بخش اصلی و هر بخش نیز شامل زیربخش‌هایی می‌باشد. مقدار این شاخص بین صفر تا ده بوده، که عدد صفر بیان‌کننده کمترین میزان آزادی اقتصادی و عدد ده مبین بالاترین میزان آزادی اقتصادی است. به عنوان مثال در مورد بخش مقررات کار، اعتبار و کسب و کار هرچه میزان مقررات دست و پاگیر بیشتر باشد، مقدار اختصاص یافته به آن در شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر کمتر است و هر چه ضوابط و مقررات دست‌وپاگیر مربوط به بازارهای اعتبار، کار و کسب و کار کمتر باشد، به معنای آزادی اقتصادی بیشتر است و مقدار شاخص آزادی اقتصادی برای آن کشور بیشتر خواهد بود. در واقع شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، رابطه‌ای منفی با مقررات سخت و دست‌وپاگیر دارد و هر چه میزان این شاخص بیشتر شود، میزان مقررات سخت و دست‌وپاگیر کاهش می‌یابد. بیشتر شدن مقدار در شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار بیانگر بهبود مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، و به این مفهوم است که کاهش قوانین سخت و دست‌وپاگیر به منظور ورود و خروج به کسب و کار و به عبارتی، اتخاذ قوانین اثبات و حذف فرایندهای بوروکراتیک، موجب بهبود این شاخص و در نتیجه، ارتقای رشد اقتصادی می‌شود.

توضیح اینکه، با بهبود کیفیت مقررات کسب و کار و نهادهای مجری این مقررات و نیز تطبیق بنگاه‌ها با شرایط جدید بازارها و انعطاف‌پذیری‌شان، بستر لازم برای ایجاد مشاغل مولد و کسب و کارهای جدید و در نتیجه، رشد اقتصادی فراهم می‌شود. سایر متغیرهایی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند، علاوه بر تولید ناخالص داخلی سرانه که به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده، متغیرهای توضیحی متداول در الگوهای رشد شامل موجودی سرمایه، نیروی کار، سرمایه انسانی، متوسط مصارف دولت و تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره می‌باشند که آمار مرتبط با این متغیرها از شاخص‌های توسعه جهانی^۱ استخراج شده است.

1. World Development Indicators (WDI)

طبق مطالعات نظری و تجربی، حذف فضای دیوان سالارانه و تسهیل در قوانین و مقررات و سرعت بخشیدن به فرایند شروع کسب و کار، از عوامل مهمی است که محیط مطلوب برای ارتقای رشد اقتصادی را مهیا می‌کند. مطالعات بارو^۱ (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معناداری بین بهبود شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار و رشد اقتصادی وجود دارد. یکی از مشهورترین مدل‌ها که در مطالعات مربوط به بحث فضای کسب و کار استفاده شده است، مدل جانکو (۲۰۰۶) به پیروی از مدل بارو (۲۰۰۰) می‌باشد. ابتدا تابع کاب-داگلاس زیر به صورت تابع تولید کل در نظر گرفته می‌شود:

$$Y = \lambda K^\alpha L^\beta H^\theta GC^\omega GE^\gamma e^{\delta R} \quad (1)$$

Y تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵^۲ متغیر وابسته مدل است.
 K سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵^۳ است.
 L تعداد کل نیروی کار در دسترس جهت فرایند تولید کالا و خدمات است.^۴
 H موجودی سرمایه انسانی: آموزش، تجربه و سلامت سه بعد کیفی سرمایه انسانی را تشکیل می‌دهند و این در حالی است که آموزش نقش اساسی ایفا می‌کند. از میان شاخص‌های متعددی که برای سرمایه انسانی وجود دارد، متوسط سال‌های آموزش نسبت به سایر شاخص‌ها از نقاط قوت بیشتری برخوردار است.
 برای محاسبه متوسط سال‌های آموزش شاغلان، از فرمول ارائه شده توسط لین^۵ (۲۰۰۶) استفاده می‌شود؛ اما به دلیل فقدان اطلاعات دقیق در مورد این فرمول، در این تحقیق سرمایه انسانی به عنوان نرخ ثبت نام دانشگاهی^۶ در نظر گرفته شده است.
 GC تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ برای سال اول دوره می‌باشد.
 GE متوسط مصارف دولت یعنی مخارج مصرفی نهایی عمومی دولت به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ است.^۷
 R اندازه شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار^۱ است که به عنوان متغیر مستقل وارد مدل می‌گردد.

-
1. Barro
 2. GDP (constant 2005 US\$)
 3. Gross Fixed capital formation (constant 2000 US\$)
 4. Labor force, total
 5. Lin
 6. Gross enrolment ratio, tertiary, both sexes (%)
 7. General government final consumption expenditure (constant 2005 US\$)

با لگاریتم‌گیری از تابع به صورت سرانه، مدل پژوهش برای کشور (i) و در زمان (t) به صورت زیر بیان می‌شود:

$$\ln y_{it} = \lambda + \alpha \ln k_{it} + \theta \ln h_{it} + \omega \ln gc_{it} + \gamma \ln ge_{it} + \delta R_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

این مدل، یک بار برای کل کشورهای نمونه و دو بار دیگر به تفکیک برای کشورهای با درآمد متوسط و با درآمد بالا برآورد می‌گردد. دومین مدلی که برای بررسی اثر مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد اقتصادی استفاده می‌گردد، همان مدل بارو با یک تغییر است. به این صورت که در مدل دوم به جای بررسی اثر شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد اقتصادی، اثر اجزای این شاخص بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد.

این مدل عبارت است از:

$$\ln y_{it} = \lambda + \sum_{j=1}^3 \delta_j R_{jit} + \alpha \ln k_{it} + \theta \ln h_{it} + \omega \ln gc_{it} + \gamma \ln ge_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

$$\ln y_{it} = \lambda + \delta_1 R_{1it} + \delta_2 R_{2it} + \delta_3 R_{3it} + \alpha \ln k_{it} + \theta \ln h_{it} + \omega \ln gc_{it} + \gamma \ln ge_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

متغیرهای مدل به تفکیک عبارتند از:

- R_{jit} مقدار جزء j ام شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار کشور i در سال t
- R_{1it} مقدار شاخص مقررات بازار اعتبار^۲ کشور i در سال t
- R_{2it} مقدار شاخص مقررات بازار نیروی کار^۳ کشور i در سال t
- R_{3it} مقدار شاخص مقررات بازار کسب و کار^۴ کشور i در سال t

۵. بررسی و تحلیل نتایج

۵-۱. مقدار شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار

مقدار شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار تعدادی از کشورهای مورد بررسی در سال ۲۰۱۲ در جدول ۱ گزارش شده و همان طور که مشخص است در دوره مورد بررسی، کشور نیوزیلند در میان کشورهای مورد بررسی، بیشترین مقدار، و ایران در شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار مقدار ۴/۴۷ را در بین ۳۶ کشور کسب نموده است.

-
1. Credit, Labor and Business Regulations Index
 2. Credit market regulation Index
 3. Labor market regulation Index
 4. Business regulation market Index

ایران در مقررات مربوط به بازار اعتبار، کار و کسب و کار در وضعیت بدی قرار دارد. هر چه دستمزدها و قیمت‌ها در بازارهای اعتبار، کار و کسب و کار بر مبنای نیروهای بازار تعیین شوند، مقدار شاخص بیشتر می‌شود. این در حالی است که در ایران در هر سه بازار، به علت حضور گسترده دولت در اقتصاد، قیمت‌ها بر مبنای نیروهای بازار تعیین نمی‌شوند. از طرفی، وجود قوانین مختلف نظیر قانون کار و غیره ورود به بازارها را محدود می‌سازند که تأثیر بسزایی بر کاهش رتبه کشور در این شاخص داشته است.

جدول ۱. مقدار شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۲ میلادی

کشور	نیوزیلند	بلغارستان	سوئد	دانمارک	مولداوی	کرواسی	ایران
مقدار شاخص	۸/۶۶	۷/۹۲	۷/۹۱	۷/۹۱	۶/۹۸	۶/۹۸	۴/۴۷

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۲. شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار و زیر شاخص‌های آن در ایران بین ۳۶ کشور در سال‌های ۲۰۱۱-۱۲ میلادی

شاخص	مقدار شاخص (سال ۲۰۱۱)	مقدار شاخص (سال ۲۰۱۲)	تغییر در مقدار شاخص
مقررات اعتبار، کار و کسب و کار	۵	۴/۴۷	-۰/۵۳
مقررات اعتبار	۴/۶	۳/۱۲	-۱/۴۸
مقررات بازار نیروی کار	۴/۷	۴/۶۱	۰/۰۹
مقررات کسب و کار	۵/۸	۵/۶۹	-۰/۱۱

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۲ ارائه دهنده وضعیت شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار و عناصر آن در ایران در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ است. همچنین تغییر در مقدار آنها طی این دو سال نیز ارزیابی شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، وضعیت ایران در زمینه این شاخص و همچنین اجزای آن به غیر از مقررات بازار نیروی کار، در سال ۲۰۱۲ نامناسب‌تر شده است.

۲-۵. نتایج تخمین مدل بررسی اثر مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد اقتصادی

قبل از برآورد مدل اصلی، لازم است که برخی از آزمون‌ها روی داده‌ها انجام شود تا از طریق این آزمون‌ها بتوان مدل را به روش مناسب‌تری تخمین زد. ابتدا به این آزمون‌ها اشاره می‌شود.

آزمون ریشه واحد داده‌های پانل

یکی از بحث‌های مهم برای تخمین مدل اقتصادسنجی، مانایی داده‌ها است. قبل از برآورد مدل، برای پرهیز از رگرسیون‌های کاذب در روش‌های اقتصادسنجی و نبود نتایج نامطمئن، در برآورد ضرایب یک الگو، مانایی^۱ زمانی متغیرها بررسی می‌شود. نتایج حاصل از انجام آزمون ریشه واحد داده‌های پانل در جدول ۳ ارائه شده است. تمامی متغیرهای به کار رفته در مدل مانا هستند. البته همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، برخی متغیرها در سطح و برخی دیگر، بعد از یک مرتبه تفاضل‌گیری مانا شده‌اند. ستون‌های ۴ و ۵ جدول نشان‌دهنده متغیرهایی می‌باشند که بعد از یک مرتبه تفاضل‌گیری مانا شده‌اند.

آزمون F

در جدول ۴ نتایج مربوط به آزمون F ارائه شده است. با توجه به معنی‌داری آماره آزمون، فرضیه صفر مبتنی بر ادغام (pooling) داده‌ها رد می‌شود. بنابراین، باید برای برآورد مدل از روش اثرات ثابت یا تصادفی استفاده شود.

آزمون هاسمن^۲

آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی انجام می‌شود. نتایج آزمون هاسمن در جدول ۴ ارائه شده است. معنی‌دار نبودن آماره آزمون بدین معنی است که برای برآورد مدل، باید از روش اثرات تصادفی استفاده شود.

پس از آزمون ریشه واحد، مدل به روش اثرات تصادفی تخمین زده می‌شود. نتایج به شرح ذیل است: مدل اول (بررسی اثر مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد

1. Stationary
2. Hausman Test

اقتصادی)، ابتدا برای کل نمونه و سپس به تفکیک برای کشورهای با درآمد متوسط و درآمد بالا در تحقیق برآورد شده است، که نتایج آن در جداول شماره ۴، ۶ و ۷ ارائه شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم (بررسی اجزای مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد اقتصادی) با استفاده از روش اثرات تصادفی برای کل نمونه نیز در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد برای داده‌های پانل

نام متغیر	آزمون ریشه واحد LLC ^۱	آزمون ریشه واحد IPS ^۲	آزمون ریشه واحد LLC	آزمون ریشه واحد IPS
Ly	-۳/۲۹۵ [۰/۰۰۰]	-۰/۷۲۳ [۰/۲۳۴]	-۹/۰۷۵ [۰/۰۰۰]	-۴/۵۱۰ [۰/۰۰۰]
R	-۱۳/۹۴۰ [۰/۰۰۰]	-۵/۸۷۲ [۰/۰۰۰]	-	-
Lk	-۳/۱۱۰ [۰/۰۰۰]	-۱/۲۸۳ [۰/۰۹۹]	-۱۰/۸۴۰ [۰/۰۰۰]	-۵/۶۲۰ [۰/۰۰۰]
Lgc	-۲/۰۷۷ [۰/۰۱۸]	۱/۴۶۰ [۰/۹۲۷]	-۱۲/۰۱۳ [۰/۰۰۰]	-۶/۶۹۸ [۰/۰۰۰]
Lge	-۷/۵۲۰ [۰/۰۰۰]	-۱/۲۱۳ [۰/۱۱۲]	-۱۳/۴۰۸ [۰/۰۰۰]	-۷/۹۵۶ [۰/۰۰۰]
Lh	-۱۰/۴۱۷ [۰/۰۰۰]	-۲/۳۸۱ [۰/۰۰۸]	-	-
R_{1it}	-۳/۷۶۵ [۰/۰۰۰]	-۱/۹۲۵ [۰/۰۲۷]	-	-
R_{2it}	-۴۱/۹۹۷ [۰/۰۰۰]	-۱۴/۱۸۷ [۰/۰۰۰]	-	-
R_{3it}	-۱۵/۹۹۶ [۰/۰۰۰]	-۱۰/۲۶۲ [۰/۰۰۰]	-	-

منبع: محاسبات تحقیق - مقادیر داخل کروشه نشان دهنده سطح معنی‌داری هر آزمون می‌باشد.

نتایج حاصل از برآورد مدل اول (بررسی اثر مقررات اعتبار، کار و کسب و کار روی رشد اقتصادی) برای کل نمونه برآورد اولیه مدل

نتایج حاصل از برآورد اولیه مدل اول با استفاده از روش اثرات تصادفی برای کل نمونه، در جدول ۴ ارائه شده است. ضریب شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار (R)،

1. Levin-Lin-Chu Unit Root Test
2. Im-Pesaran-Shin Unit-Root Test

مثبت و معنی‌دار است. با افزایش یک درصد مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۵۲ درصد افزایش می‌یابد. سرمایه ثابت ناخالص (Lk) اثری مثبت و معنی‌دار روی رشد اقتصادی دارد و با افزایش یک درصد سرمایه ثابت ناخالص، رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۴ درصد افزایش می‌یابد. ضریب متغیر سرمایه انسانی (Lh)، مثبت و معنی‌دار و بیانگر این است که در دوره مورد بررسی، سرمایه انسانی باعث افزایش رشد اقتصادی شده است. یعنی با افزایش یک درصد سرمایه انسانی، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۴ درصد افزایش می‌یابد. همچنین اثر متوسط مصارف دولت (Lge) و تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره (Lgc) بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. بدین معنی که با افزایش یک درصد متوسط مصارف دولت، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک درصد تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره، رشد اقتصادی به میزان ۰/۳۲ درصد افزایش می‌یابد.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد مدل اول برای کل نمونه و آزمون‌های مربوطه

متغیر وابسته: Ly		
متغیرهای توضیحی	Random Effects	GLS
R	۰/۰۵۲ (۵/۴۶۵)*	۰/۰۱۱ (۳/۱۸)*
Lk	۰/۵۴۱ (۲۸/۲۸۵)*	۰/۳۹۰ (۲۴/۹۴)*
Lgc	۰/۳۲۸ (۱۲/۱۳۷)*	۰/۵۴۶ (۲۸/۷۳)*
Lge	۰/۰۲۰ (۳/۷۲۳)*	۰/۰۱۰ (۳/۱۴)*
Lh	۰/۰۴۷ (۳/۰۱۰)*	۰/۰۲۸ (۳/۵۱)*
آزمون F	۷۱/۳۹۹ [۰/۰۰۰]	۷۱/۳۹۹ [۰/۰۰۰]
آزمون هاسمن	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]

منبع: محاسبات تحقیق - اعداد داخل پرانتز آماره t و داخل کروشه سطح معنی‌داری آزمون می باشد.
* بیانگر معنی‌داری در سطح ۱ درصد، ** بیانگر معنی‌داری در سطح ۵ درصد می‌باشد.

نتایج نهایی حاصل از برآورد مدل

در تفسیر نتایج حاصل از برآورد مدل، می باید به این نکته توجه داشت که اجزای اخلاص مدل، دارای خودهمبستگی^۱ و ناهمسانی واریانس^۲ نباشند. برای رفع این دو مشکل و برآورد دقیق مدل، از روش GLS^۳ استفاده گردید. ضریب شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار (R)، مثبت و معنی دار است، یعنی با افزایش یک درصد مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۱ درصد افزایش می یابد. شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، رابطه ای منفی با مقررات سخت و دست و پاگیر دارد و هر چه میزان این شاخص بیشتر شود، میزان مقررات سخت و دست و پاگیر کاهش می یابد. با توجه به اینکه در شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، بیشتر شدن مقدار، بیانگر بهبود مقررات اعتبار، کار و کسب و کار است، بنابراین ضریب مثبت شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار به این مفهوم است که کاهش قوانین سخت و دست و پاگیر به منظور ورود و خروج به کسب و کار و به عبارتی دیگر، اتخاذ قوانین اثبات و حذف فرایندهای بوروکراتیک، موجب بهبود این شاخص و در نتیجه، ارتقای رشد اقتصادی می شود.

توضیح اینکه، با بهبود کیفیت مقررات کسب و کار و نهادهای مجری این مقررات و نیز تطبیق بنگاه ها با شرایط جدید بازارها و انعطاف پذیری شان، بستر لازم برای ایجاد مشاغل مولد و کسب و کارهای جدید فراهم می آید. ضریب متغیر سرمایه ثابت ناخالص (Lk) هم، مثبت و معنی دار است. یعنی با افزایش یک درصد سرمایه ثابت ناخالص، رشد اقتصادی به میزان ۰/۳۹ درصد افزایش می یابد. ضریب متغیر سرمایه انسانی (Lh)، مثبت و معنی دار می باشد؛ بدین معنی که با افزایش یک درصد سرمایه انسانی، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۲ درصد افزایش می یابد. همچنین اثر متوسط مصارف دولت (Lge) و تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره (Lgc) بر رشد اقتصادی مثبت و معنی دار است؛ بدین معنی که با افزایش یک درصد متوسط مصارف دولت، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۱ درصد، و با افزایش یک درصد تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره، رشد اقتصادی به میزان ۰/۵۴ درصد افزایش می یابد.

1. Independence
2. Groupwise Heteroskedasticity
3. Generalized Least Squares

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد مدل دوم برای کل نمونه و آزمون‌های مربوطه

متغیر وابسته: Ly		
متغیرهای توضیحی	Random Effects	GLS
R_{1it}	-۰/۰۱۴ (-۲/۵۴۱)*	-۰/۰۰۰۵ (-۰/۱۸)
R_{2it}	۰/۰۴۴ (۸/۱۹۹)*	۰/۰۱۹ (۶/۹۲)*
R_{3it}	۰/۰۱۳ (۲/۲۶۵)*	-۰/۰۰۲ (-۱/۳۶)
Lk	۰/۵۳۸ (۲۹/۹۲۴)*	۰/۴۱۰ (۲۴/۹۹)*
Lgc	۰/۳۵۵ (۱۵/۱۹۵)*	۰/۵۴۲ (۲۹/۵۰)*
Lge	۰/۰۱۹ (۳/۷۶۳)*	۰/۰۰۹ (۳/۶۱)*
Lh	۰/۰۴۳ (۲/۹۴۱)*	۰/۰۲۴ (۳/۶۹)*
F آزمون	۷۳/۵۷۳ [۰/۰۰۰]	۷۳/۵۷۳ [۰/۰۰۰]
آزمون هاسمن	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]

منبع: محاسبات تحقیق

- اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره t و داخل کروشه نشان دهنده سطح معنی‌داری آزمون می‌باشد.

نتایج نهایی برآورد مدل دوم (بررسی اثر اجزای مقررات اعتبار، کار و کسب و کار بر رشد اقتصادی) برای کل نمونه

نتایج حاصل از برآورد مدل دوم با استفاده از روش GLS برای کل نمونه نیز در جدول ۵ ارائه شده است. سرمایه ثابت ناخالص اثر مثبت و معناداری روی رشد اقتصادی دارد و به عبارتی، یک درصد افزایش سرمایه ثابت ناخالص، ۰/۴۱ درصد رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. اثر مقررات اعتبار و مقررات کسب و کار روی رشد اقتصادی بر اساس تخمین این مدل، منفی و البته معنادار نیست. در نهایت اثر سرمایه انسانی، متوسط مصارف دولت و تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره بر رشد اقتصادی، مثبت و معنادار می‌باشد. بدین معنی که با افزایش یک درصد سرمایه انسانی، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۲۴ درصد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک درصد متوسط مصارف دولت،

رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۰۹ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش یک درصد تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره، رشد اقتصادی نیز به میزان ۰/۵۴ درصد افزایش می‌یابد. در بین اجزای مقررات اعتبار، کار و کسب و کار در این تخمین، مقررات بازار نیروی کار اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است، که این اهمیت ویژه این جزء را نشان می‌دهد؛ یعنی با تدوین مقررات در جهت افزایش سهم نیروی کار از کل تولید و استفاده بیشتر از نیروی کار و یا سایر قوانین در جهت بهبود بازار کار، رشد اقتصادی بهبود می‌یابد.

جدول ۶. نتایج برآورد اولیه مدل اول به روش اثرات تصادفی
به تفکیک درآمدی کشورها و آزمون‌های مربوط

متغیر وابسته: Ly		
کشورهای با درآمد بالا	کشورهای با درآمد متوسط	متغیرهای توضیحی
۰/۰۳۳ (۲/۷۸۷)*	۰/۰۶۸ (۴/۲۸۸)*	R
۰/۴۹۴ (۱۷/۱۸۱)*	۰/۵۳۸ (۱۸/۶۲۴)*	Lk
۰/۳۰۱ (۷/۲۷۵)*	۰/۲۲۳ (۳/۶۴۲)*	Lgc
۰/۰۳۵ (۴/۲۱۵)*	۰/۰۲۰ (۲/۲۲۶)*	Lge
۰/۰۷۲ (۳/۶۷۴)*	۰/۰۲۳ (۰/۸۲۳)	Lh
۶۷/۱۸۹ [۰/۰۰۰]	۶۹/۷۴۸ [۰/۰۰۰]	آزمون F
۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]	آزمون هاسمن

منبع: محاسبات تحقیق - اعداد داخل پرانتز آماره t و اعداد داخل کروشه سطح معنی‌داری آزمون می‌باشد.
* بیانگر معنی‌داری در سطح ۱ درصد، ** بیانگر معنی‌داری در سطح ۵ درصد می‌باشد.

نتایج نهایی حاصل از برآورد مدل اول برای کشورهای

با درآمد سرانه متوسط

نتایج حاصل از برآورد نهایی مدل اول با استفاده از روش GLS برای کشورهای با درآمد متوسط در جدول ۷ ارائه شده است. ضریب شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار (R)، مثبت و از نظر آماری غیرمعنی‌دار است. البته از آنجا که طبق مدل در کشورهای با درآمد متوسط، اثر یک جزء مقررات اعتبار، کار و کسب و کار بر رشد مثبت و فقط اثر یک جزء از آنها معنی‌دار و اثر دو جزء دیگر منفی بوده، به نظر می‌رسد در اینجا چون شاخص کل مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، برآیند آن کل اثرات اجزا است، بدین علت معنادار نمی‌باشد. ضریب متغیر سرمایه ثابت ناخالص (Lk)، مثبت و معنی‌دار است. به عبارتی دیگر، یک درصد افزایش سرمایه ثابت ناخالص، ۰/۳۷ درصد رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. ضریب متغیر سرمایه انسانی (Lh) مثبت و غیرمعنی‌دار و اثر متوسط مصارف دولت (Lge) بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است؛ بدین معنی که با افزایش یک درصد متوسط مصارف دولت، رشد اقتصادی به میزان ۰/۱۴ درصد، و همچنین با افزایش یک درصد تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره، رشد اقتصادی به میزان ۰/۴۴ درصد افزایش می‌یابد.

نتایج نهایی حاصل از برآورد مدل اول برای کشورهای با درآمد سرانه بالا

نتایج حاصل از برآورد نهایی مدل اول با استفاده از روش GLS برای کشورهای با درآمد بالا در جدول ۷ ارائه شده است. ضریب شاخص مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، مثبت و معنی‌دار است؛ یعنی با افزایش یک درصد مقررات اعتبار، کار و کسب و کار، رشد اقتصادی به میزان ۰/۱۲ درصد افزایش می‌یابد. ضریب متغیر سرمایه ثابت ناخالص هم، مثبت و معنی‌دار است؛ بنابراین با افزایش یک درصد سرمایه ثابت ناخالص، رشد اقتصادی به میزان ۰/۴۰ درصد افزایش می‌یابد. همچنین اثر سرمایه انسانی، متوسط مصارف دولت و تولید ناخالص داخلی برای سال اول دوره، بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل اول به تفکیک درآمد کشورها و آزمون‌های مربوط به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته

متغیر وابسته: Ly		
متغیرهای توضیحی	کشورهای با درآمد متوسط	کشورهای با درآمد بالا
R	۰/۰۱۳ (۱/۴۷)	۰/۰۱۲ (۲/۹۶)*
Lk	۰/۳۷۱ (۱۵/۵۷)*	۰/۴۰۱ (۱۹/۵۲)*
Lgc	۰/۴۴۲ (۱۰/۹۱)*	۰/۵۶۲ (۲۰/۰۵)*
Lge	۰/۰۱۴ (۲/۸۲)*	۰/۰۱۵ (۳/۰۵)*
Lh	۰/۰۱۱ (۰/۶۲)	۰/۰۴۳ (۵/۳۶)*
آزمون F	۶۹/۷۴۸ [۰/۰۰۰]	۶۷/۱۸۹ [۰/۰۰۰]
آزمون هاسمن	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]	۰/۰۰۰ [۱/۰۰۰]

منبع: محاسبات تحقیق - اعداد داخل پرانتز، آماره t و اعداد داخل کروشه، سطح معنی‌داری آزمون می‌باشد.
* بیانگر معنی‌داری در سطح ۱ درصد می‌باشد.

۶. خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این تحقیق با هدف بررسی تأثیر شاخص مقررات کار، اعتبار و کسب و کار روی رشد اقتصادی در ۳۶ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ انجام، و در مدل این تحقیق، که به روش داده‌های پانل برآورد شده است، تأثیر مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی به همراه متغیر مورد نظر یعنی شاخص مقررات کار، اعتبار و کسب و کار و اجزای آن بررسی شده است. شاخص مورد استفاده، شاخص مقررات کار، اعتبار و کسب و کار، بعنوان یکی از اجزای شاخص آزادی اقتصادی (که با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده توسط مؤسسه فریزر ساخته شده است)، در سه زیر بخش شامل مقررات اعتبار، مقررات بازار کار و مقررات کسب و کار، که در چارچوب یک مدل رشد درونزا تأثیر این شاخص و اجزای آن روی رشد اقتصادی بررسی شده است.

نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی، اثر مقررات کار، اعتبار و کسب و کار روی رشد اقتصادی در کشورهای نمونه مثبت و معنادار است. همچنین جزء مقررات مربوط به بازار نیروی کار، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای نمونه دارد. مقررات کار، اعتبار و کسب و کار، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد بالا دارد؛ ولی مقررات کار، اعتبار و کسب و کار، اثر معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط ندارد.

با توجه به نتایج بالا، پیشنهاد می‌شود: از آنجا که بر اساس برآوردها از بین اجزای شاخص مقررات کار، اعتبار و کسب و کار جزء مقررات مربوط به بازار نیروی کار، بیشترین اثر را روی رشد اقتصادی دارد؛ ولی اثر مقررات اعتبار و مقررات کسب و کار روی رشد اقتصادی معنادار نیست و از طرفی نیز وضعیت این متغیرها با توجه به آمارهای مؤسسه فریزر در ایران نسبتاً نامناسب است، به نظر می‌رسد بهتر است مبنای شروع توجه به بحث مقررات کار، اعتبار و کسب و کار در ایران، این دو متغیر قرار گیرد. با توجه به اثر مثبت بهبود مقررات کار، اعتبار و کسب و کار بر رشد اقتصادی، پیشنهاد می‌شود که مقررات زائد و دست‌وپاگیر در اقتصاد حذف و موانع مقرراتی کسب و کار از بین برود تا با افزایش رشد اقتصادی، اقتصاد کشور مقاوم‌تر شود.

یکی از سؤالاتی که هنوز حل نشده باقی مانده، معنی دار نبودن برخی متغیرها است که ممکن است نشانگر فقدان قدرت تشخیص به جای نبود اثرات اقتصادی‌شان باشد؛ اما به نظر می‌رسد که انجام تحقیقات در این زمینه ضرورت دارد. همچنین سؤال جالب دیگری که می‌توان به آن پرداخت، این است که آیا قدرت متغیرهای مقررات اقتصادی با گنجاندن متغیرهای مقررات سیاسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در واقع، آیا می‌توان وجود نوعی رابطه علیت بین متغیرهای مقررات اقتصادی، مقررات سیاسی و رشد اقتصادی را بررسی نمود؟

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی. تهران: انتشارات ترمه، چ. اول.
- باصری، بیژن و شاه حسینی، میثم. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بهبود محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه). فصلنامه علوم اقتصادی، ۳(۱۰)، صص ۹۶-۷۱.
- عرفانی جهانشاهی، فاطمه. (۱۳۸۸). تأثیر مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی، مشهد.
- میرکازهی ریگی، فیصل. (۱۳۹۴). نقش کارآفرینی در تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور. اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی.
- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2001). The colonial origins of comparative development: an empirical investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- Barro, R. J. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-443.
- Barro, R. J. (2000). Inequality and Growth in a Panel of Countries. *Journal of Economic Growth*, 5(1), 5-32.
- Bertrand, M., & Kramarz, F. (2002). Does entry regulation hinder job creation? Evidence from the French retail industry. *the Quarterly Journal of Economics*, 117(4), 1369-1413.
- Busse, M., & Groizard, J. L. (2008). Foreign direct investment, regulations and growth. *The World Economy*, 31(7), 861-886.
- Dawson, J. W., & Seater, J. J. (2013). Federal regulation and aggregate economic growth. *Department of Economics Appalachian State University Boone, NC*, 28608-2051.
- Dawson, J. W., & Seater, J. J. (2013). Federal regulation and aggregate economic growth. *Journal of Economic Growth*, 18(2), 137-177.
- Djankov, S., McLiesh, C., & Ramalho, R. M. (2006). Regulation and growth. *Economics Letters*, 92(3), 395-401.

- Dutz, MA., Kessides, I., O'Connell, S., Willig, RD. (2011). Competition and Innovation-Driven Inclusive Growth. *World Bank Policy Research Working Paper*, No.5852.
- Feldmann, H. (2009). Business regulation, labor force participation and employment in industrial countries. *Journal of Economics and Business*, 61(3), 238-260.
- Goff, B. (1996). Regulation and Macroeconomic performance, ISBN: 978-1-4612-8578-6 (Print) 978-1-4613-1343-4 (Online)
- Griffith, R., & Harisson, R. (2004). *The link between product market reform and macro-economic performance* (No. 209). Directorate General Economic and Financial Affairs (DG ECFIN), European Commission.
- Gwartney, J.; Lawson, R., & Hall, J. (2014). Economic Freedom of the World. *2014 Annual Report of Fraser Institute*.
- Haidar, J. I. (2012). The impact of business regulatory reforms on economic growth. *Journal of the Japanese and International Economies*, 26(3), 285-307.
- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others?. *The Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116.
- Hanusch, M. (2011). The doing business indicators, economic growth and regulatory reform. *World Bank Policy Research Working Paper*, (6176).
- Jalilian, H., Kirkpatrick, C., & Parker, D. (2007). The impact of regulation on economic growth in developing countries: A cross-country analysis. *World Development*, 35(1), 87-103.
- Lin, T. C. (2006). Alternative measure for education variable in an empirical economic growth model: Is primary education less important. *Economics Bulletin*, 15(15), 1-6.
- Loayza, N., Oviedo, A. M., & Servén, L. (2004). Regulation and macroeconomic performance. *World Bank Policy Research Working Paper*, (3469).
- Loayza, N., Oviedo, A. M., & Servén, L. (2005). The impact of regulation on growth and informality cross-country evidence. *World Bank Policy Research Working Paper*, (3623).

- Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681-712.
- Messaoud, B., & Teheni, Z. E. G. (2014). Business regulations and economic growth: What can be explained? *International Strategic Management Review*, 2(2), 69-78.
- Messina, J. (2005). Institutions and service employment: A panel study for OECD countries. *Labour*, 19(2), 343-372.
- Nicoletti, G., Bassanini, A., Jean, S., Ernst, E., Santiago, P., & Swaim, P. (2001). Product and labour market interactions in OECD countries. *OECD Economics Department Working Paper*, No. 312.
- Nicoletti, G.; Bassanini, A.; Ernst, E.; Jean, S.; Santiago, P., & Swaim, P. (2001). *Product and labour markets interactions in OECD countries* (Working Paper). Paris: OECD.